



اجرای احکام تخلفات اداری در اداره آموزش و پرورش

رسول شهبازی حسینیخانی

وحید خداپنده

سعید عشایری کولانی

چکیده:

عنوان این پژوهش اجرای احکام تخلفات اداری در اداره آموزش و پرورش است و هدف از پژوهش بررسی آثار و نتایج اجرای رای های صادره توسط هیات های رسیدگی به تخلفات اداری است که با گسترش جوامع و ایجاد سازمان های بزرگ مانند آموزش و پرورش نیاز به قوانین و اجرای آن ها بیش از هر زمانی احساس می شود. همچنین مقاله حاضر با هدف تشریح و بررسی اجرای رای های صادره توسط هیات های رسیدگی به تخلفات اداری در سازمان آموزش و پرورش و نحوه مجازات و پیامدهای عدم اجرای مجازات های مقرر در قانون و تاخیر در اجرای مجازات ها که نوعی بی عدالتی است می پردازد. روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی به شکل تحلیلی است که در گردآوری اطلاعات اولیه تحقیق از شیوه و روش کتابخانه ای استفاده شده است. در قسمت اول پژوهش کلیات اجرای احکام و در قسمت بعدی اجرای احکام و آرای صادره از هیات های رسیدگی به تخلفات اداری در آموزش و پرورش و قطعیت اجرای آن را بررسی می کنیم و تاکید می کنیم که این شدت مجازات نیست که با اطمینان بیشتری از ارتکاب جرم پیشگیری می کند بلکه قطعیت اجرای حکم است که باعث پیشگیری از وقوع دوباره جرم می شود. چشم انداز یک کیفر ملایم اما اجتناب ناپذیر بر او تاثیر شدیدتری دارد تا ترس نامشخص از یک مجازات هولناک که امید به عدم اجرای آن می رود و هرچه اجرای مجازات سریع تر و از نظر زمانی نزدیک تر به وقوع جرم باشد سودمندتر و عادلانه تر است. کلمات کلیدی: اجرای احکام، تخلفات اداری، آموزش و پرورش

مقدمه:

اجرا از نظر لغوی به معنای «راندن و روان ساختن و جاری کردن» است. (عمید ، 1389: 91) از نظر اصطلاحی عبارت است از «به کار بردن قانون در جهت وصول حقوق ذی حق از فردی که از ادای آن سر پیچی می کرده است اما توسط دادگاه صالح شناسایی و یا توسط اسناد رسمی لازم الاجرا و قطعی شده است یا تحقق بخشیدن مدلول حکم را اجرا می نامند». (جعفری لنگرودی ، 1387، ج 4: 528)

حکم در لغت به معنای «فرمان» و «دستور» است و جمع آن «احکام» است. (دهخدا ، ج 6، 1366: 8041)

حکم باید قاطع دعوا باشد که بر اساس آن تکلیف دعوی مطرح در دادگاه مشخص شده ، و پرونده مختومه می شود . البته این بدان معنی نیست که دیگر نمی توان از طریق تجدید نظر ، اعتراض ثالث ، و اخواهی و... آن را پی گیری نمود (شمس ، ج 2، 1389: 204).

اجرا مرحله ای است که بر اساس آن ، محکوم¹ له با توسل به اجرای قانون و استفاده از قوای دولتی و قوانین جاری، مفاد حکم را به محکوم علیه تحمیل می کند. (سلطانی، ج اول، 1392: 5)

بنا بر این محکوم باید طی تشریفات قانونی و در مرجع صالح قضایی ، تقاضای اجرای حکم را بنماید ، شروع عملیات اجرایی با تقاضای صدور اجرائیه و ابلاغ به محکوم علیه صورت می گیرد . بنا بر این، اجرای احکام مدنی که در مقابل اجرای احکام کیفری قرار دارد ، عبارت است از «تحمیل مفاد حکم مراجع قضایی به محکوم علیه که به امر قانون مشخص شده است». (مدنی ، ج 3، 1378: 22)

اجرای احکام:

اجرای احکام، آخرین مرحله ی دادرسی های است. اگر گفته شود که دادرسی های کیفری فقط برای تحقق بخشیدن به این مرحله صورت می گیرد، سخنی نادرست نخواهد بود. در حقیقت هدف از رسیدگی های کیفری این است که در صورت احراز وقوع مرحله ی جرم صحت انتخاب آن و محقق بودن مسئولیت کیفری متهم، به مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی درباره او به اجرا گذشته شود؛ تا در جامعه هیچ بزهکاری کیفر ندیده و اصلاح نشده باقی نماند. (آخوندی، ج 3، 1389: 17)

البته یکی از کارکرد های منفی مجازات، رفتار خشونت آمیز مجرمان در طول دوره ی محکومیت در زندان های موقت و دائم علیه خود و (خودزنی) و علیه دیگران است. اقدام به خود کشی و آسیب رساندن به خود اعتراضی است که محکومان به طولانی مدت بودن دوران محکومیت، زندان انفرادی، رفتار غیر انسانی کارکنان زندان و مورد تعدی قرار گرفتن به وسیله ی زندانیان دیگر نشان می دهند. (محسنی، 1387: 4)

اجرای احکام کیفری گاه موجب ترس و وحشت «ابر بزهکاران» نمی شود و منع اقامت نیز آنان را اصلاح نمی کند. در حالی که بیشتر جرایم توسط این افراد صورت می گیرد. (گسن، 1388: 141)

هر گاه حکم صادر شده به اجرا گذاشته نشود و یا در اعمال آن روش های صحیح تربیتی و آموزشی مورد عمل قرار نگیرد ، تمامی تلاش ها و کوشش های مراجع بی ثمر می ماند و بی جهت بار مالی سنگینی بر بودجه دولت و جامع تحمیل می گردد و از دادرسی بهره واقعی به دست نمی آید. علمای حقوق جزا و جرم شناسان، برای اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی، هر یک طبق سلیقه و طرز تفکر خود علل و انگیزه های خاصی ذکر کرده اند. هر گونه ویژگی و هدفی که برای مجازات های کیفر قائل باشیم تنها در مرحله ی اجرای احکام است که تأمین می گردد. بنابراین با صدور حکم محکومیت کیفری و لازم الاجرا شدن آن، اعمال ضمانت اجراها و مجازات ها، معنا و مفهوم پدیدار می نمایند. بر این اساس اجرای احکام ما حاصل و نتیجه دادرسی های کیفری است و چنانچه در این مرحله ضعف و سستی در اجرای مجازات رخنه نماید، دادرسی کیفری بی ثمر و یا کم ارزش خواهد شد. (با تلخیص و تصرف ، رضیعی ، 1376: 46)

سزار بکاریا در این باره می گوید: «این شدت مجازات نیست که با اطمینان بیشتری از ارتکاب جرایم پیشگیری و جلوگیری می کند؛ بلکه قطعیت اجرای آن چنین نقشی را ایفا می کند. چشم انداز یک کیفر ملایم اما اجتناب ناپذیر بر او تأثیر شدیدتری دارد تا ترس نامشخص از یک مجازات هولناک که امید به عدم اجرای آن می رود... هر چه اجرای مجازات سریع تر و از نظر زمانی نزدیک تر به وقوع جرم باشد سودمندتر و عادلانه تر است.» (پرادل، 1373: 4)

از طرف دیگر، تأخیر در اجرای مجازات موجب می گردد تا بزهکاران تشویق گردند اعمال خلاف خود را همچنان ادامه دهند و از این حیث دفاع اجتماع متزلزل گردد. لذا سرعت در اجرای مجازات و حتمیت آن نقش مهمی در پیشگیری و تکرار جرم بزهکار و بازداشتن دیگران از تقلید او دارد.

«بنتام در این باره می نویسد: باید حکم مجازات را سریعاً صادر کرد، زیرا اثر بزه بر روان انسان ها با گذشت زمان ضعیف می گردد. لکن ممکن است تأخیر در اجرای مجازات موجب گردد، مجنی علیه جرم، دستگاه قضایی را در احقاق حق ضعیف و ناعتماد بداند؛ لذا انتقام گیری از شخص را تنها وسیله ی تسکین رنج خود بداند. از طرف دیگر بایستی اعمال مجازات ها مبتنی و بر روش های صحیح و منطقی گردد تا اهداف مجازات ها تأمین گردد.» (معاونت آموزش قوه قضائیه، 1387: 182)

اهداف اجرای مجازاتها:

مجازات ها از نظر هدف، شدت وخامت و رابطه آن ها با یکدیگر و هم چنین حقوقی که بر اثر آن ها محدود می شود قابل طبقه بندی می باشند. در نظام های جزائی، زمانی که صحبت از اجرای نوع خاصی از مجازات به میان می آید، بدون شک اهداف و خواسته های عمل، مورد نظر می باشد. این اهداف در هر عصر و زمانی دچار تغییرات و دگرگونی شده و زمانی مجازات ها جنبه اخلاقی و زمانی جنبه ارعایی و گاهی نیز هدف مجازات، اصلاح و تربیت مجرم بوده است.

صاحب کتاب احکام زندان در اسلام چنین می گوید: «با توجه به این که مناط در کیفر دادن، ملاحظه ی صلاح و فساد جامعه است، پس هر گونه عقوبتی که به این هدف تحقق بدهد، مشروع خواهد بود به شرط این که از چهار چوبی که شارع تعیین کرده، خارج نباشد و به این منظور شارع تغییرات را در اختیار امام قرار داده است.» در نهایت چنین نتیجه گیری می کند که، باید اجرای قوانین کیفری از هر گونه انتقام جویی به دور باشد و هدف تنها، اصلاح فرد خلاف کار باشد. (واثلی، 1367: 203)

اما مهمترین هدفی که حقوق جزای عرفی از ابتدا دنبال نموده، همان هدف سودمندی است. (محسنی، 1354: 26)

منظور از سودمندی و جنبه ارعایی مجازات این است که به وسیله ی اعمال کیفر نسبت به مجرمین، از طرفی اشخاص غیر مجرم و آنهایی که قصد ارتکاب جرم را دارند، مرعوب شده و گرد ارتکاب جرم نگردند که به آن نقش «پیشگیری عمومی» می گویند. و از طرف دیگر خود مجرم از ارتکاب جرم جدید، خودداری نماید که به آن «پیشگیری فردی» می گویند. (صلاحی، 1354: 9)

گر چه در گذشته برای وصول به هدف ارعاب و تخویف به مجازات های شدید نظیر: شقه کردن، زنده زنده سوزاندن، در آب خفه کردن، از بالای بلندی پرت کردن، سرب و روغن مذاب به سر و روی مجرم ریختن پناه می بردند، ولی امروزه کمتر به این مجازات های خشن و وحشتناک روی می آورند. (شامبیاتی، 1389: 306)

تجربه ثابت کرده که پرداخت به امر مجازات، نه تنها با در نظر گرفتن جنبه ارعایی، کاری بی نتیجه است. از طرفی نیز اگر عامل ارعاب را به بوتۀ فراموشی بسپاریم، از نظر زیر بنایی، مجازات دچار اشکال خواهد شد، چرا که با فقدان ترس از کیفر و مجازات، این جای خالی با وسوسه ارتکاب جرم در هر شخصی پر خواهد شد. بنابراین نه آن نظریه افراطی و انحصاری نظام های جزایی گذشته و نه کنار گذاردن این هدف، مقبول و پسندیده نیست.

«شاید بتوان هدف های پیچیده و آشتی ناپذیر کیفرها را حول سه محور خلاصه کرد: ترساندن، سزادادن و بازسازگار کردن. این هدف های سه گانه همواره در اجرای مجازات ها وجود داشته و دارد. ولی تأکید بر یکی بیش از دیگران بر حسب زمان و مکان یکسان نبوده است. یکی از دلیل هایی که قانون گذاران در انتخاب مجازات ها به نوع و شدت و ضعف آن ها توجه دارد ایجاد رعب



و هراس در مردم است. همین ویژگی راهنمای قانون گذار در تشدید مجازات اعمالی است که بیشترین اختلال را در نظام اجتماعی پدید می آورد و مایه ی تشویش اذهان عمومی است. قانون گذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه های شریرانه منصرف گرداند، با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنان داده باشد. از دیرباز مکافات عمل، بار سنگینی به شمار می آید که بزهکاران برای جبران تقصیر خود باید به دوش می کشید. عدالت اقتضا می کند که کار زشت بی کیفر نماند. امروز این هدف در اجرای مجازات ها همچنان تعقیب می شود. در اذهان عموم مردم مفهوم عدالت وقتی معنی و تحقق می یابد که بزهکار به سزای همان میزان گناهی که مرتکب شده است رسیده باشد. مجازات وظیفه دارد که این تعادل را برقرار کند.

پیشینیان هیچ گاه در اجرای مجازات در اصلاح و تربیت بزهکاران غافل نبودند. منتهای مراتب در اجرای مجازات ها امیدوار بودن رنج و مشقتی که به بزهکاران تحمیل می کنند در رفتار او تغییر پدید آورد و او را متنبه کند. ولی امروزه دانش ما از رفتار و خلق و خوی انسان های فزونی یافته است. تغییر رفتار و یا به عبارت دیگر عادات زشت و ناپسند انسان موضوع پژوهشهای روان شناسی است. بر این اساس ، رفتار مجرمانه نوعی ناسازگاری اجتماعی است و بزهکار کسی است که بنا به دلایلی قادر نیست خود را با خواسته های جامعه تطبیق دهد. حال چگونه و با چه رفتار هایی می توان بار دیگر انسان کژ رفتار را با گروه اجتماعی خود پیوند و آشتی داد؟ این سوالی است که با بررسی ابزار های کیفری یعنی مجازات ها آسان می توان به آن پاسخ داد. البته باید از تأثیر تربیتی بعضی از مجازات ها مانند اعدام، رجم و مجازات های توانگیر به طور کلی باید مایوس بود . زیرا بازپروری اصولاً با اجرای این قبیل مجازات ها منافات دارد.(اردبیلی، 1383: 128)

در کل اساتید حقوق جزا، ترساندن، کیفر دادن و اصلاح کردن را به عنوان اهداف مجازات ها و زجر دادن، رسوا کردن، معین بودن و قطعی بودن را به عنوان ویژگی های مجازات ها بیان کرده اند.(استوانی و دیگران، 1377 : 598)

رسیدگی به تخلفات اداری:

ظهور و بروز تخلفات اداری در دستگاههای دولتی از جمله عواملی است که موجب رکود و تاخیر در انجام امور قانونی مراجعین می گردد.

هنگامی که تخلفات اداری از سوی کارمندان در هر مرتبه و مقامی صورت گیرد سبب مشکلات ذیل می گردد.

- 1-بهم ریختگی و بی نظمی در جامعه بوجود می آید.
 - 2-تظییع حقوق دولت و مردم را فراهم می نماید
 - 3-عدم اعتماد و بدبینی بین دولت و جامعه را بوجود می آورد.
- پیشگیری از ان تخلفات در ابتدا می طلبد که کارمندان با مفاهیم و انواع تخلفات اداری آشنا شوند .اگرچه کارمندان تا حدودی با تخلفات اداری آشنایی نسبی دارند و می دانند که عناوینی چون :غیبت غیر موجه -تاخیر در ورود -اخذ رشوه و...تخلف محسوب می شود. در هر نظام اداری داور مختلف مسئولیت جلوگیری از بروز تخلف و یا مبارزه با آن را برعهده دارند که در این بین هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری از مهمترین دوائری هستند که برابر موازین قانونی خاص خود ،این مسئولیت سنگین را که از یک طرف حقوق اداری دستگاهها و نهادهای دولتی و از طرف دیگر دفاع از حیثیت فردی و شغلی کارکنان اداری و آموزشی است.
- اما بر آن شدیم تا با تخلفات اداری که در قانون احصاء شده بیشتر با آنها آشنا شویم .همین آشنایی تا حدودی میزان تخلفات اداری را پایین آورده و سبب کاسته شدن آن می شود .صرف آشنایی با تخلفات اداری تنها راه چاره و یکتا پیشگیری آن نبوده راهها و روشهای دیگر نیاز است. اما براساس وظیفه همین مقدار اندک آشنایی می تواند برای کارمندان و مردم که نیاز به رجوع با دستگاههای دولتی دارند مفید واقع شود باشد که مورد استفاده قرار گیرد.



به منظور رسیدگی به تخلفات اداری درهریک از دستگاههای مشمول این قانون، هیاتهای تحت عنوان «هیات رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» تشکیل شده است. که دارای سه عضو اصلی و یک یا دو عضو علی البدل می باشد. درغیاب اعضای اصلی اعضای علی البدل به جای آنان انجام وظیفه خواهند نمود.

محل ارتکاب تخلف:

از یک نظر می توان تخلفات اداری را به دو دسته تقسیم کرد:

- 1- تخلفاتی که فقط می توانند در محیط اداری یا ساعات موظف اداری صورت گیرد (تخلف اداری محض است و فقط در محیط کار یا در جایی که در حکم محیط کار است موضوعیت دارند. مانند ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری - تکرار در تاخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج بدون کسب مجوز - تعطیل خدمت در اوقات اداری
 - 2- تخلفاتی که هم در خلال ساعات اداری و هم در خارج از محیط اداری می توانند صورت گیرد. این نوع تخلفات محصور در محیط اداره یا ساعات موظف اداری نبوده و نیستند و ممکن است در محیط اداره یا خارج از آن صورت گیرد. چنین تخلفاتی قابل مجازات در هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان خواهد بود. نظیر استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر - ایراد تهمت و افتراء و هتک حیثیت - اخاذی - اختلاس - تسامح در حفظ اموال و اسناد دولتی
- نتیجه: کارمندان فقط بخاطر تخلفاتی که در محیط کار انجام می دهد مستحق مجازات نیستند بلکه چنین تخلفاتی را خارج از اداره انجام دهند تخلفات اداری محسوب و توسط هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری قابل تعقیب خواهد بود.
- تخلفات اداری با عناوین مجرمانه:

برخی از اعمال یا ترک اعمالی که از سوی قانونگذار تخلف اداری محسوب شده جرم نیز می باشند مواردی همچون: اختلاس - ارتشاء و..... این نوع تخلفات را تخلف اداری با عناوین مجرمانه می نامیم 0

رابطه میان تخلف و جرم را در ماده 8 قانون می توان به سه گروه تقسیم کرد

- 1- گروه اول تخلفاتی هستند که ماهیت و ذات اداری بوده و فاقد عناوین مجرمانه است از قبیل: ترک خدمت در خلال ساعات اداری - تکرار در تاخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج آن بدون کسب مجوز - کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده - تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری - غیبت غیر موجه بصورت متوالی یا متناوب.
- 2- گروه دوم تخلفاتی هستند که اعم از جرم و تخلف می باشند. به عبارت دیگر اینگونه تخلفات علاوه بر اینکه از نظر اداری تخلف محسوب می شوند از بعد جزایی نیز جرم محسوب و قابل تعقیب کیفری می باشند از قبیل: افتراء و هتک حیثیت - اخاذی - اختلاس - اخذ رشوه - استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر - خرید و فروش مواد مخدر - رعایت نکردن حجاب اسلامی - جعل یا مخدوش نمودن اسناد رسمی یا دولتی - ارتباط و تماس غیر مجاز با اتباع بیگانه
- 3- گروه سوم ممکن است از کارمند رسمی سر زند که تخلف اداری محسوب نشده اما توسط دادگاهها قابل تعقیب می باشد. چنین اعمالی قابل تعقیب توسط هیاتهای بدوی رسیدگی به تخلفات اداری نیست. بعنوان نمونه: چنانچه در یک دعوای حقوقی زوجه از زوج به لحاظ عدم پرداخت مهریه شکایت نماید و به سبب عند المطالبه بودن مهریه و عدم پرداخت آن، زوج زندانی شود در این صورت عمل کارمند تخلف اداری محسوب نمی شود. یا تصادف

عناوین تخلفات اداری:

در یک تقسیم بندی کلی می توان تخلفات اداری مندرج در ماده 8 قانون (38 بند) را به 4 دسته تقسیم نمود:

1- تخلفات اداری و انضباطی

2- تخلفات اخلاقی

3- تخلفات مالی

4- تخلفات سیاسی و اجتماعی (ماده 8 قانون)

براساس ماده 47 آیین نامه رسیدگی به تخلفات اداری آثار و تاریخ اجرای رأی از تاریخ ابلاغ رأی قطعی به کارمند می‌باشد و تا آن زمان وضعیت استخدامی وی حسب قوانین و مقررات مربوط خواهد بود مگر آنکه در اجرای ماده 13 قانون و تبصره 3 آن آماده به خدمت شده یا مرتکب تخلف غیبت شده باشد.

ماده 13: هیأت تجدیدنظر در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌نماید:

الف - در مواردی که رأی هیأت بدوی قابل تجدیدنظر باشد و کارمند ظرف مهلت مقرر قانونی نسبت به آن درخواست تجدیدنظر نماید.

ب - موارد موضوع قسمت اخیر ماده 12 قانون با تشخیص و موافقت کتبی مقامات و اشخاص مذکور

ج - ادعای کارمند مبنی بر موجه بودن غیبت وی، موضوع تبصره 1 ماده 17 قانون

د - نقض آراء هیأت‌های تجدیدنظر توسط دیوان عدالت اداری یا هیأت‌عالی نظارت

همچنین در فصل هفتم آیین نامه به توقف رسیدگی و اجرای حکم قطعی صادره از هیات های رسیدگی می پردازد که مواد 37 تا 40 آیین نامه به شکل زیر نحوه اجرای احکام صادره را بیان می کند.

ماده 37: فوت متهم موجب توقف رسیدگی و صدور رأی می‌گردد.

ماده 38: هرگاه کارمند قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر فوت نماید پرونده مختومه و حالت استخدامی وی از تاریخ فوت به حالت قبل از صدور رأی برمی‌گردد و رأی هیأت بدوی هیچ‌گونه تأثیری در وضعیت وی نخواهد داشت.

ماده 39: در صورتی که کارمند متخلف در حالتی از حالت‌های استخدامی باشد که اجرای فوری رأی قطعی درباره وی ممکن نباشد، مراتب به هیأت‌عالی نظارت گزارش شده و رأی صادر شده نیز به محض حصول امکان اجرا خواهد شد.

ماده 40: در صورتی که کارمند در طول تحمل مجازات‌های بندهای «ج»، «د» و «ز» ماده 9 قانون فوت شود اعمال مجازات‌های یادشده متوقف شده و حالت استخدامی کارمند از زمان فوت به حالت قبل از تعیین مجازات اعاده می‌شود.

تبصره: در احتساب حقوق وظیفه وراثت کارمندان موضوع این ماده، مجازات‌های اعمال شده منظور نخواهد شد.

نتیجه گیری:

استادان حقوق جزا در رشته ی آیین دادرسی کیفری، فرآیند های رسیدگی به پرونده کیفری را به چهار یا پنج مرحله تقسیم نموده و آخرین مرحله ی آن را اجرای احکام می دانند. به طور خلاصه، به محض وقوع جرم، دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس و دادسرا و دادگاه های جزائی وارد عمل گردیده و پس از کشف جرم و تعقیب متهمان به ارتکاب جرم، تحقیقات مقدماتی را انجام و با فرض احراز مجرمیت، پرونده با صدور کیفر خواست به دادگاه جزائی ارسال و دادگاه پس از انجام رسیدگی های لازم، با فرض احراز گناهکاری، متهم را به تحمل مجازات، محکوم و با فرض تأیید حکم و لازم الاجرا شدن آن، بالاخره نوبت آخرین مرحله ی دادرسی که اجرای حکم است فرا می رسد. اجرای حکم در قالب اعمال مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی در واقع نتیجه و ثمره همه ی فرآیند ها و اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی است. به یک معنا تمام نهادهای کیفری و اصول و قواعد حاکم بر روند رسیدگی به یک پرونده ی کیفری و تلاش ها و زحمات بی وقفه دادرسان برای رسیدن به همین مرحله است. مرحله ای که با اجرای مجازات علیه مجرم، واکنش اجتماعی به صورت سرکوبگرانه و یا پیشگیرانه در قبال پدیده بزه، آشکار می شود و بنا به



اصطلاح عدالت اجرا می شود. «صرف نظر از اهداف و ویژگی های مجازات ها و دیدگاه های جرم شناسی مبنی بر مفید نبودن مجازات و تأکید بر اقدامات پیشگیرانه، آنچه قدر مسلم است و به عنوان یک اصل در همه نظام های حقوقی دنیا پذیرفته شده این است که برای جلوگیری از نقص ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده و انتظام امور جامعه و امنیت و آسایش فردی و جمعی، مقابله با پدیده بزه و سرکوب مجرم اجتناب ناپذیر و لازمه حیات جوامع بشری است. این مهم زمانی محقق می شود که اولاً مجازات متناسب با نوع بزه ارتكابی و میزان مسولیت مجرم و توجه به شخصیت وی و تأثیر مجازات در نیل به اهداف از پیش تعیین شده باشد. ثانیاً اعمال مجازات و نحوه اجرای آن مطابق اصول و موازین از پیش تعریف شده و روش های صحیح منطقی باشد تا مسئولین و مأموران اجرای مجازات در عمل با نارسایی و بلا تکلیفی مواجه نباشند و مأموریت خود را به نحو احسن برابر مقررات انجام دهند و از اعمال سلايق شخصی و تشّت در اجرای احکام جلوگیری به عمل آید.» (احمدی موحد، 1387: 20)

به همان اندازه که توجه به مرحله محاکمه یا تحقیق در فرایند کیفری دارای اهمیت می باشد، چگونگی و نحوه آرایش قانونی- قضایی مرحله اجرای محکومیت ها نیز، صرفنظر از نوع آن، برای مجرم و جامعه سرنوشت ساز است. به همین جهت است که نظام های کیفری متحوّل دنیا، مرحله ی اجرای مجازات ها را نیز مشمول فرآیند کیفری قضایی کرده و نظارت و مداخله دستگاه قضایی از طریق نصب قضات خاص مانند قاضی اجرای مجازات ها، به این مرحله تسری دارد. تحولاتی که، بدین سان، در نگرش سیاستگذاران و مقام های مسؤول سیاست جنایی نسبت به مرحله ی اجرای مجازاتها و اهمیت این مرحله در سرنوشت و رفتار مجرم و سلامت جامعه به وجود آمده است، تا حد زیادی مرهون آورده ها و یافته های کیفر شناسی می باشد. (بولک، 1386: 22)

براساس ماده 47 آیین نامه رسیدگی به تخلفات اداری آثار و تاریخ اجرای رأی از تاریخ ابلاغ رأی قطعی به کارمند می باشد و تا آن زمان وضعیت استخدامی وی حسب قوانین و مقررات مربوط خواهد بود مگر آنکه در اجرای ماده 13 قانون و تبصره 3 آن آماده به خدمت شده یا مرتکب تخلف غیبت شده باشد.



فهرست منابع:

- 1- احمدی موحد، اصغر، اجرای احکام کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، 1387
- 2- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ نهم، 1389
- 3- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج2، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، 1382
- 4- بولک، برنارد، کیفرشناسی، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران، مجد، چاپ هفتم، 1386
- 5- پردال، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، 1373
- 6- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ نوزدهم، 1387
- 7- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، جلد ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، 1366
- 8- سلطانی، حسن، اثر شکایت از احکام، تهران، نشر جنگل، چاپ اول، 1392
- 9- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر مجد، چاپ شانزدهم، 1389
- 10- صلاحی، جاوید، کیفر شناسی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، 1392
- 11- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات مجید، چاپ اول، 1389
- 12- گسن، ریموند، جرم شناسی نظری، مترجم مهدی کی نیا، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، 1388
- 13- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، 1375
- 14- مدنی، سیدجلال الدین، آئین دادرسی مدنی، تهران، پایدار، ج3، چاپ پنجم، 1387.
- 15- معاونت آموزش قوه قضاییه، گزیده ای از پایان نامه های آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، نشر جاودانه، چاپ اول، 1387
- 16- شهبازی حسینخانی، رسول، زارعی، بهیود، دولتخواه، سیامک، بررسی علل و انگیزه سرقت در دانش آموزان، چهارمین کنفرانس بین المللی مطالعات نوین در علوم انسانی، حقوق و مطالعات اجتماعی، کپنهاگ دانمارک، 1402
- 17- صلاحی، جاوید، نقش قاضی در اجرای مجازات ها، مجله کانون وکلا، تهران، شماره 131، 1354
- 18- محسنی، رضاعلی، آسیب شناسی مجازات زندان و حبس، نشریه دادرسی، تهران، شماره 67، 1387

Rasoul shahbazi hoseinkhani

Vahid khodabandeh

Saeed ashayeri kolani

Abstract:

The title of this research is the implementation of administrative violations in the Department of Education and the purpose of the research is to investigate the effects and results of the implementation of votes issued by administrative violation boards, which with the expansion of societies and the creation of large organizations such as education, there is a need for laws and implementation. They are felt more than ever. Also, this article aims to explain and review the implementation of the decisions issued by the boards for handling administrative violations in the education organization and the method of punishment and the consequences of not implementing the punishments stipulated in the law and the delay in the implementation of the punishments, which is a form of injustice. The research method in this article is a descriptive method in the form of analysis, which is used in the collection of primary research information from the library method. In the first part of the research, we examine the generalities of the execution of the sentences and in the next part, we examine the execution of the sentences and decisions issued by the commissions for dealing with administrative violations in education and the certainty of its implementation, and we emphasize that it is not the severity of the punishment that is more certain of committing the crime. The crime prevents, but it is the certainty of the execution of the sentence that prevents the reoccurrence of the crime. The prospect of a mild but inevitable punishment has a stronger impact on him than the uncertain fear of a terrible punishment that he hopes will not be implemented, and the faster the execution of the punishment and the closer it is to the occurrence of the crime, the more beneficial and fairer it is.

Keywords: enforcement, administrative violations, education